دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۸ در میان بگذارید.

پای لهستان به منازعات خاورمیانه باز می‌شود؟

کنفرانس ورشو هیچ شانسی برای موفقیت ندارد. فدریکا موگرینی مسئول امور بین المللی اتحادیه اروپا نیز عدم شرکت خود را اعلام نمود بنا بر این به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها مسیر دشواری را برای تحت فشار گذاشتن ایران در پیش گرفته‌اند که به سختی می‌تواند منتج به نتیجه مطلوب برای آنها شود

در عین حال، از سخنان وزیر امور خارجه لهستان یاتسک چاپوتوویچ پیدا است که ورشو بدون چون و چرا از ایده آمریکایی حمایت می‌کند. آدام اسمیچ، مقاله نویس مستقل لهستانی می‌گوید که چنین موقعیتی اجازه می‌دهد تا لهستان نه‌تنها در اختلاف بین ایران و عربستان سعودی، بلکه درگیری با بعضی از کشورهای اروپایی عضو ناتو باشد.

این کنفرانس توسط هیچ ارگان لهستانی اعلام نشد. نه رئیس جمهور، نه نخست وزیر، نه وزیر امور خارجه و نه وزیر دفاع در مورد این واقعیت که این کنفرانس در لهستان برگزار خواهد شد، صحبت نکرد. این کنفرانس توسط مایک پمپئو وزیر امور خارجه ایالات متحده اعلام شد. این نشان می‌دهد که سطح روابط بین ایالات متحده و لهستان، به نفع لهستان نیست. این‌طور نه با یک شریک، بلکه با یک دست‌نشانده رفتار می‌کنند.

مصاحبه با وزیر امور خارجه و اظهار نظرهای طرف آمریکایی نشان می‌دهد که هدف این کنفرانس این است که آمریکا تعیین کند که چه کسی در ائتلاف سرسخت علیه ایران شرکت خواهد کرد.

در این وضعیت، لهستان در همه جهات از ایالات متحده حمایت می‌کند و هم اکنون به عنوان یک متحد وفادار و قابل اعتماد عمل می‌کند. جالب است چه کسی از طرف اتحادیه اروپا می‌آید؟ در حال حاضر معلوم است که خانم موگرینی نماینده عالی اتحادیه اروپا برای امور خارجه نمی‌آید. هدف این کنفرانس برقراری انزوای ایران است که گامی دیگر به پیش برای خروج از توافق هسته‌ای منعقد شده با ایران است. این یک فاجعه است که لهستان اجازه داده که آن را به این جریان بکشانند. ارزیابی من از این قضیه بسیار منفی است.

در حال حاضر، توافق‌هایی میان لهستان و ایران وجود دارد که طرف ایرانی آن را انجام می‌دهد و امید است طرف لهستانی هم همین کار را انجام دهد. اما چنین اقداماتی به ظاهر غیردوستانه به نفع ایالات متحده و "حزب کرکس‌ها" هستند که در تلاش برای راه حل‌های قهری هستند

■ تیره شدن روابط ورشو و تهران به ضرر لهستان

لهستان خواه ناخواه اجازه می‌دهد که پای آن در اختلاف بین ایران و عربستان سعودی، کشانده شود، هر چند این درگیری به طور مستقیم به لهستان مربوط نیست و خطر بسیار زیاد است و این همه برای چه؟

خطر بزرگ است، زیرا یک بار دیگر روابط دوستانه سنتی یک کشور با دیگری پایمال می‌شود. پس از همه، این روابطی است که لهستان را با بسیاری از کشورهای شرق و ایران و نه تنها در قرن بیستم مرتبط می‌سازد. این یک گام غیر دوستانه به سوی این کشورها، در این مورد، در مورد ایران است. در حال حاضر، توافق‌هایی میان لهستان و ایران وجود دارد که طرف ایرانی آن را انجام می‌دهد و امید است طرف لهستانی هم همین کار را انجام دهد. اما چنین اقداماتی به ظاهر غیردوستانه به نفع ایالات متحده و "حزب کرکس‌ها" هستند که در تلاش برای راه حل‌های قهری هستند. چنین سیاست لهستان به معنای پیوستن به اختلاف بین سنی‌ها و شیعیان در طرف عربستان سعودی است و ما می‌دانیم آنچه در یمن انجام می‌شود. آقای چاپوتوویچ ادعا می‌کند که ما نباید شرکت در مسائل مهم بین المللی را کنار بگذاریم. اما وزیر چاپوتوویچ در مورد مسئله مهمی مانند وضعیت جمعیت فلسطینی در غزه نظر خود را حتی یک بار بیان نکرده است. این مشکل برای ایالات متحده وجود ندارد، بنابراین برای لهستان نیز وجود ندارد.

پیام‌های رسیده از بروکسل حاکی است که روحیه اتحادیه اروپا در مورد ایده کنفرانس ورشو بالا نیست، به خصوص که آنها در روزهای نزدیک به کنفرانس مذکور کلیات ساز و کار مالی با تهران را هم تصویب کردند و در عین حال آمریکا هم هشدار داد که اگر اروپا این کانال مالی را فعال کند دست به اقدام تلافی جویانه خواهد زد. بنابراین حضور اروپا در کنفرانس لهستان چندان خوشایند نیست زیرا واشنگتن بر آن بر مخالفت اتحادیه اروپا با توافق هسته ای حاصله با ایران اصرار خواهد کرد. لهستان چه چیز را انتخاب خواهد کرد؛ اروپا یا آمریکا؟ بی شک لهستان آمریکا را انتخاب خواهد کرد، چون زندان‌های مخفی سیا هم در این کشور قرار دارد و یک اتحاد نظامی - امنیتی میان دو کشور برقرار است. به این ترتیب با حضور دشمنان بالقوه ایران مثل عربستان و امارات در نشست ورشو پای لهستان هم به منازعات خاورمیانه باز خواهد شد. / منبع : اسپوتنیک

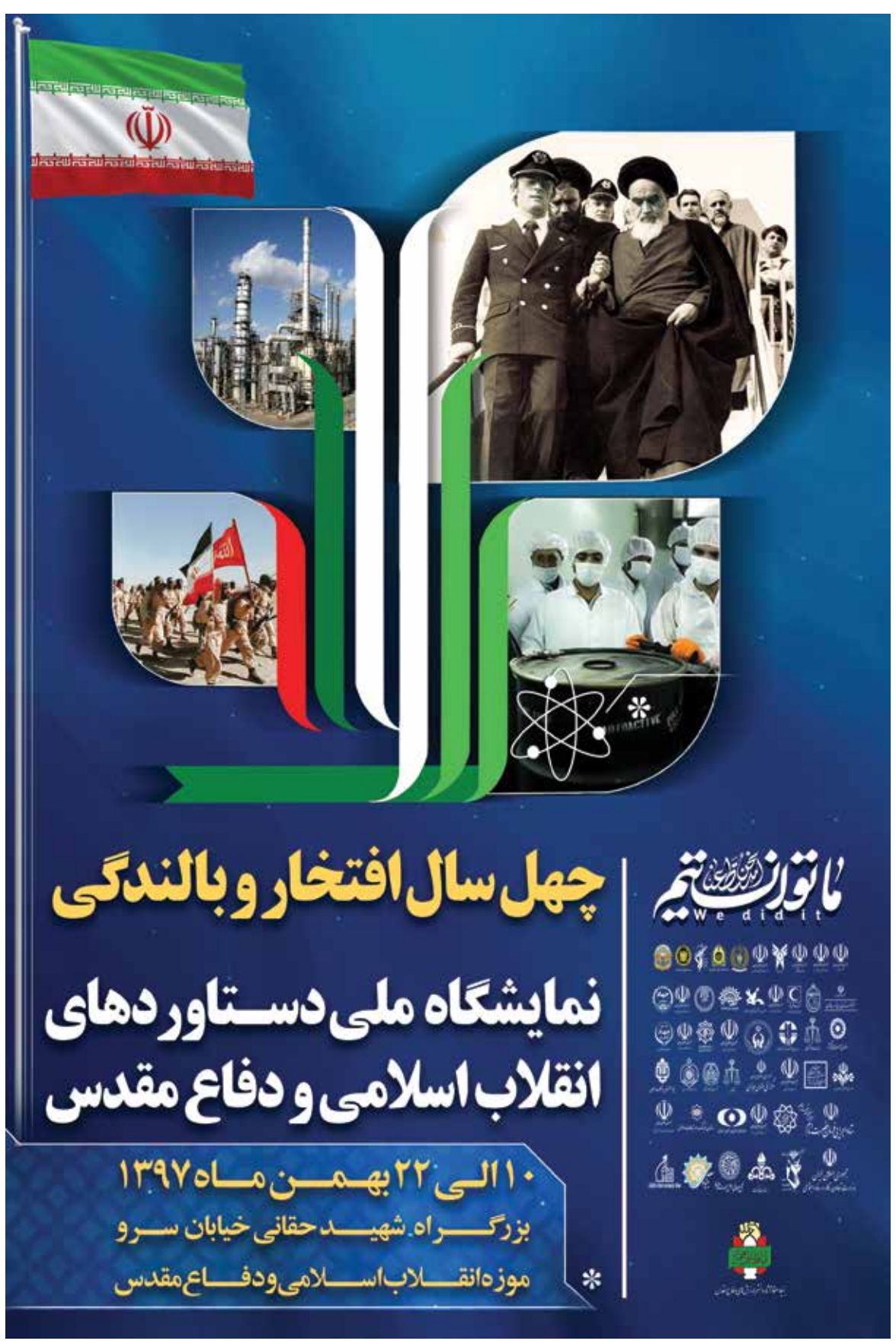

وقتی لیبی از نابسامانی سیاسی رنج می‌برد

ناامنی اروپا در دوران «پساقذافی»

مهرداد علی پور *

متأثر از تحولات موسوم به بهار عربی (۲۰۱۱) که منجر به سقوط دومینوارِ رژیم‌های مستبد و اقتدارگرای حوزهٔ راهبردی آسیای‌غربی و شمال آفریقا از اریکه قدرت شد، ملت لیبی نیز با پیگیری حرکت‌های اعتراض‌آمیز و دخالت مؤثر ناتو، موفق شدند «معمر قذافی» رهبر و دیکتاتور خود را پس از چهار دهه حکومت، به وادی سقوط کشانده و موجبات تحولات ژرفی را در این کشور انقلابی فراهم آورند. در همین راستا می‌توان چنین اظهار داشت که انقلاب لیبی در ادبیات سیاسی جهان با نام انقلاب ۱۷فوریه شناخته شده است.

انقلاب خونینی که نه‌تنها منجر به حکومت مردم‌سالار نشد، بلکه با منحرف شدنش، کشور پهناور لیبی را تکه‌تکه کرده و آن را به جولانگاه گروه‌های مسلح داخلی و تروریست‌های تکفیری برای کسب قدرت تبدیل کرد و معادلهٔ پیچیده‌ای را در این کشور انقلابی رقم زد.در همین راستا مهم‌ترین چالش رژیم جدید و پسااقتدارگرا را می‌توان: ۱) چگونگی گذار از مرحله فروپاشی رژیم به اصلاحات دموکراتیک؛ ۲) اصطکاک بین نیروهای تندرو و میانه‌رو؛ ۳) مداخله نظامیان و شبه‌نظامیان در سیاست؛ ۴) وجود اپوزیسیون ضعیف و چندپاره و ۵) سیستم ریشه‌دار قبیله‌ای و تعارض‌های قومی و قبیله‌ای که مانع رقابت‌های نهادینه مدنی می‌شود، برشمرد. مجموع عوامل مزبور به نوبه خود مانع از شکل‌گیری دولت مقتدر و سامانِ سیاسیِ مشروع و باثبات در فضای داخلی لیبی در فضای پساقذافی شده است.

■ آشفتگی و بی سر و سامانی لیبی

در خصوص شکل‌گیری دولت مقتدر و سامان سیاسی مشروع «ساموئل هانگتینتون» اذعان می‌دارد که سامان سیاسی یکی از ملزومات بسیار مهم برای دولت‌سازی و ثبات و امنیت مشروع است و اینکه مهم‌ترین اولویت برای کشورهای جهان سوم در مسیر توسعه همانا ثبات یا برقراری سامان سیاسی مشروع و مستمر است و نبود آن موجب از هم گسیختگی جامعه و تبدیل آن به جامعه سیاست‌زده یا پروترین است. با توجه به تفاسیر فوق می‌توان چنین استنباط نمود که جامعهٔ کنونی لیبی نیز بنا به دلایلی همچون دخالت شبه‌نظامیان وابسته به قبایل در سیاست و گسترش خشونت در آن، تبدیل به یک جامعهٔ پروترین شده است. جامعه‌ای که در آن چالش امنیت، شدیدترین چالش و امنیت به‌عنوان فوری‌ترین نیاز برشمرده می‌شود. در همین راستا و در نبود ساز و کارهای کنترلی، تنش‌های قومی سرکوب شده در دورهٔ قذافی دوباره شعله‌ور شده‌اند و گروه‌های سلفی در شرق لیبی از این فرصت برای کنترل بر شرق لیبی استفاده کرده‌اند. چنین وضعیتی به نوبه خود منجر به ایجاد بحران آمریت، سلطه و اقتدار شده است.

در لیبی پساقذافی مردم هنوز از فقدان امنیت رنج می‌برند و در تلاشند ملزومات اولیهٔ زندگی خود را با قیمت‌های سرسام‌آور و سوبسید اندکی که داده می‌شود، تهیه کنند. خدمات پزشکیِ پایه تقریباً وجود ندارد و مردم مجبورند تا برای درمان، به کشور همسایه یعنی تونس بروند

■ لیبیِ نا امن در پساقذافی

در لیبیِ پساقذافی مردم هنوز از فقدان امنیت رنج می‌برند و در تلاشند ملزومات اولیهٔ زندگی خود را با قیمت‌های سرسام‌آور و سوبسید اندکی که داده می‌شود، تهیه کنند. خدمات پزشکیِ پایه تقریباً وجود ندارد و مردم مجبورند تا برای درمان، به کشور همسایه یعنی تونس بروند. آنان که تمکن مالی دارند در پی مهاجرت به اروپا هستند، کاری که به دلیل بسته شدن تمامی سفارت‌خانه‌های غربی بسیار سخت است و شهروندان لیبی برای گرفتن ویزا باید به تونس سفر کنند. خزانهٔ کشور نمی‌تواند از پس پرداخت حقوق هزاران کارمند دولت برآید. حقوق کارمندان دولت دست‌کم با سه‌ماه تعویق پرداخت می‌شود. تمامی پروژه‌های زیربنایی که در دست اجرا بودند، از زمان شروع ناآرامی‌ها متوقف شده‌اند و کمپانی‌های خارجی با خروج خود، تنها ساختمان‌های بلند متروکه را با جرثقیل‌های بیکار زنگار بسته در طرابلس بر جای گذاشته‌اند. هزاران لیبیایی در داخل کشور آواره شده‌اند و تخمین زده می‌شود که یک میلیون شهروند برای تأمین امنیت خود به کشورهای خارجی، از جمله مصر و تونس رفته باشند. علاوه بر این موارد نزاع گروه‌های سیاسی نیز به نوبه خود موجب شده است که مردم لیبی امید چندانی به بهبود شرایط در کوتاه‌مدت نداشته باشند. در حال حاضر دو دولت مدعی، یکی در طرابلس و دیگری در شهر طبرق وجود دارند که هیچ‌یک از مشروعیت کافی برای کسب قدرت برخوردار نیستند و اینکه بنا به دلایلی همچون خلأ قدرت و عدم وجود دولت مرکزیِ قدرتمند، گروه‌های مختلف داخلی و خارجی ادعای زمامداری دارند و راحت‌ترین راه را برای رسیدن به اهداف خود، دست بردن به اسلحه می‌دانند. تحت لوای محیط بی‌ثباتِ به وجود آمده و در کنار ساختار سنتی و قبیله‌ای، لیبی کنونی به بهشت تروریست‌های مدرن از جمله داعش بدل شده و متعاقباً شرایط مناسبی را برای استقرار گسترده گروه‌های تروریستی ـ تکفیری فراهم آورده است.

■ دلیل انتخاب لیبی از سوی داعش

اما در پاسخ به این پرسش که چرا تکفیری‌های جهادیِ داعش، لیبی را به‌عنوان پایگاه عزیمتِ خویش به اروپا برگزیده‌اند باید گفت که خصایص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک لیبی به نوبهٔ خود سبب شده تا این گروه تروریستی ـ تکفیری بتواند اهداف از پیش طراحی شده خود را نسبت به اروپا با سهولت بیشتری ردگیری نماید. لیبی با توجه به داشتن ساحلی در حدود ۱۸۶ کیلومتر در کنارهٔ جنوبی دریای مدیترانه و استقرار این کشور در قسمت شمالی آفریقا و نزدیکی به قارهٔ اروپا از اهمیت خاصی برخوردار است. در شرایط کنونیِ لیبی، خصایص ژئوپلیتیک لیبی در مقام عمل تهدیدی بالقوه برای امنیت اتحادیه اروپا به شمار می‌آید. آمار سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در نتیجه بحران لیبی، حدود ۵۰۰ هزار مهاجر و پناهنده از راه دریا قصد فرار از لیبی به سمت اتحادیه اروپا را داشته‌اند.

■ خطر لیبی برای اروپا

مهاجرت ناشی از حضور گروه‌های نوسلفی و بروز ناامنی‌های گسترده طی سالیان اخیر و از سال ۲۰۱۵ به اوج خود رسید تا جایی که با بیان «پدیده بحران مهاجرت»، بسیاری از سران کشورهای اروپایی از جمله «دیوید کامرون»، «آنگلا مرکل» و «فرانسوا اولاند» از آن به‌عنوان تهدید امنیتی جدی برای اروپا نام برده‌اند. در خصوص امنیتی شدن فضای عمومی اتحادیه اروپا اینکه جریان‌های بنیادگرایِ سلفی ـ تکفیری توانسته‌اند تا در پرتواندیشه‌های افراطی خود با بخشی از جوانان مسلمانِ اروپایی که احساس حاشیه‌ای شدن می‌کردند، هویت مقاومت را تقویت و آنان را به خود جذب کنند. در همین راستا ایشان ابتدا در کشورهای بحران‌زدهٔ واقع در آوردگاه راهبردی آسیای‌غربی و شمال آفریقا و سپس در خود کشورهای اروپایی، فعالانه‌اندیشهٔ خود را عملی می‌کنند. گرچه آمار دقیقی درخصوص شمار تکفیری‌های اروپاییِ حاضر در کشورهای بحران زدهٔ آسیای‌غربی و شمال آفریقا وجود ندارد، اما بر اساس تازه‌ترین آمارها تخمین زده شده است که بین ۴ تا ۵ هزار نفر از اتباع کشورهای اروپای‌غربی در سوریه، عراق و لیبی حضور یافته‌اند. براساس آمار منتشره از سوی مرکز بین‌المللی ضدتروریسم بیشترین تعداد این افراد از فرانسه، آلمان و بریتانیا بوده‌اند. این شکل از تجهیز و ارسال نیروهای جهادی سبب شده است تا با پایان بحران ساختگی کشورهای غربی و مطرح شدن بازگشت سلفیون تکفیریِ آموزش دیدهٔ اروپایی به کشورهای خود، قارهٔ سبز به تازگی با چالش‌های نوین امنیتی روبرو گردد که یا در گذشته اصلاً وجود نداشته یا به شدت و حدت کنونی نبوده است. در همین راستا بود که در ۲۲ مارچ ۲۰۱۶ بروکسل بلژیک، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۶ نیس فرانسه، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۶ بازار برلین، ۲۲ مارچ ۲۰۱۷ وست‌مینستر لندن، ۷ آوریل ۲۰۱۷ استکهلم هلند و ۲۲ می ۲۰۱۷ منچستر انگلیس آماج تکفیرِ جهادیون افراط‌گرا قرار گرفتند و بار دیگر این نهیب بزرگ را به غرب وارد آورد که تروریسم، خشونت و افراط‌گرایی حد و مرزی نمی‌شناسد.بنابراین تروریسم جدید، به‌عنوان تهدیدی استراتژیک زندگی اروپاییان را در معرض تهدید قرار داده و هزینه‌های زیادی را بر آنها تحمیل و باز بودن جوامع اروپایی را به شدت آسیب‌پذیر ساخته است. تروریسم جدید با سازمان‌های تروریستی که ما با آنها آشنا هستیم، متفاوت است. نه‌تنها این شکل از تروریسم پدیده‌ای بین‌المللی است، بلکه از قیود مربوط به سازمان‌های متعارف تروریستی نیز آزاد است. جنبش‌های نوتروریستی در پی استفاده از خشونت نامحدود و ایجاد تخریب‌های انبوه هستند. به این دلیل، دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در حالیکه برای سازمان‌های تروریستی متعارف جالب نیست، برای گروه‌های نوتروریستی جذاب است. برای تروریسم‌های نو، اروپا هم یک هدف و هم یک پایگاه است؛ زیرا شبکه‌های تدارکاتی القاعده به‌عنوان پدرخواندهٔ بیشتر گروه‌های تروریستیِ حال حاضرِ منطقه در انگلستان، ایتالیا، آلمان، اسپانیا و بلژیک ایجاد شده است و بسیاری از اعضای القاعده مانند «محمدعطا»، نه در افغانستان و یا عربستان‌سعودی، بلکه در اروپای‌غربی پرورش یافته‌اند.

* پژوهشگر مرکز بین المللی مطالعات صلح

آگهی فراخوان
نوبت دوم
موضوع: مناقصه شماره ۹۷۱۳۷ خرید ۹۰۰ تن نمک پتاسیم کلراید
XLS-۹۷۴۰۲۵۷-TE
مدیریت اکتشاف - شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای از میان شرکتهای تولید کننده و تامین کننده داخلی واجد شرایط خریداری نماید.
الف) شرح کالای مورد نیاز: خرید ۹۰۰ تن نمک پتاسیم کلراید
ب) مدت اجرای قرارداد: نه ماه
ج) محل تحویل کالا: ۱. تحویل کوار: شیراز، ۴۵ کیلومتری جاده فیروز آباد، ورودی شهر کوار، مجتمع عملیات انبارداری مدیریت اکتشاف
د) شرایط مناقصه گر: ۱- شرکتها دارای سابقه و تجربه کاری مرتبط باشند.
۲- داشتن شخصیت حقوقی ۳- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده مربوط به سال ۱۳۹۶
۴- داشتن توانایی ارائه تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار (به استثنای پست بانک و قابل استعلام از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) به مبلغ ۲،۲۹۷،۷۵۰،۰۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ،ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات طبق تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران.
ه) برآورد مناقصه مبلغ ۴۵/۹۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
و) تاریخ تقریبی گشایش پاکات مالی ۱۳۹۸/۰۲/۲۴ می باشد.
- متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «د» فوق می باشند و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ آمادگی خود را به صورت کتبی به آدرس: تهران - میدان ونک - ابتدای خ سئول - ساختمان مدیریت اکتشاف - طبقه دوم امور حقوقی و قراردادها اعلام و نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی وفق بند "ج" ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) اقدام نمایند. ضمنا" بایستی اطلاعات مورد درخواست را طی نامه ای حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۱۳۹۷/۱۲/۰۵ در قالب یک عدد زونکن مدارک ارزیابی کیفی برابر با اصل شده و یک حلقه لوح فشرده تهیه و به آدرس فوق الاشاره در مقابل رسید تحویل گردد. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ می دارد به مدارکی که پس از انقضاء مهلت مقرر ارائه می گردد ترتیب اثر ندهد.
اسناد و مدارک مناقصه بین شرکتهای واجد شرایط که به تشخیص مناقصه گزار تعیین صلاحیت خواهند شد، توزیع خواهد گردید.
(محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادات متعاقبا" به اطلاع خواهد رسید). بدیهی است ارائه مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می توانند با تلفن ۸۲۷۰۳۲۰۱-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
WWW.NIOCEXP.IR WWW.SHANA.IR
شماره مجوز: ۱۳۹۷.۵۸۴۴
روابط عمومی مدیریت اکتشاف